Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir

Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477

ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

سال انتشار	۱٤۰۵	شماره انتشار		صفحات	۱۸ـ۱

حقوق و وظایف مسلمین و غیر مسلمین در شهرهای یکدیگر از منظر فقه امامیه

آقای دکتر حمید بذرپاچ و جناب آقای حجت عزیزالهی

دانشیار، عضو هیأت علمی ، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

دانش آموخته حوزه علمیه قم و دکتری، دانشکده الهیات ، دانشگاه تهران ،تهران ، ایران

چکیده

با توجه به آنکه انسان موجودی اجتماعی میباشد؛ برای بالندگی های خود درتمامی ابعاد زندگی نیازمند ارتباط با تمامی هم نوعان خود است. از اینرو دین مقدس اسلام که احکام خود را منطبق بر بافت و ساخت انسانها تنظیم نموده به این بعد از وجود انسان هم اهمیت فراوان داده است. اما در این میان برخی از حقوق و تکالیف را برای مسلمین و غیر مسلمین در برقراری ارتباط با یکدیگر تعیین نموده است؛ پژوهش حاضر با روش توصیفی- تحلیلی به بررسی این چارچوبها پرداخته است. و میتوان چنین گفت که از نظر دین اسلام ممانعتی برای اصل ارتباط مسلمین و غیر مسلمین وجود ندارد. بلکه این ارتباط در جهت ترویج فرهنگ اسلامی مفید است؛ ولی باید این ارتباط بر اساس اصولی مانند کرامت ذاتی انسان و پرهیز از سلطه گری و التزام به تعهد و پرهیز از خیانت استوار بوده و غیر مسلمین موظفند در مدت اقامتشان در شهرهای اسلامی از تمامی اعمال خرابکارنه پرهیز کرده و حرمت مقدسات اجتماعی مسلمین را محفوظ بدارند؛ و در مقابل از حقوقی مانند حضور و آزادی و امنیت و بهره مندی از خدمات حمایتی در جامعه اسلامی متمتع گردند. مسلمین نیز موظفند در جوامع غیر مسلمان از قوانین تمکین نموده و با حفظ اصول اخلاقی و حسن معاشرت مبلغ دین اسلام باشند.

واژگان کلیدی: کافر، بلاد مسلمین، ذمّه، حربی، تعهد.

طبقه‌بندی : JEL فقه – حقوق – جزا و جرم شناسی – حقوق بین الملل – حقوق خصوصی

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir

Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477

ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

The rights and duties of Muslims and non-Muslims in each other's cities from the perspective of Imami jurisprudence

Hamid Bazarpach and Hojjat Azizolahi

Abstract

Considering that humans are social beings; For his growth in all aspects of life, he needs communication with all his fellows. Therefore, the holy religion of Islam, which has adjusted its rules according to the texture and structure of humans, has given great importance to this dimension of human existence. But in the meantime, it has determined some rights and duties for Muslims and non-Muslims in communicating with each other; The current research has investigated these frameworks with a descriptive-analytical method. And it can be said that according to the religion of Islam, there is no obstacle for the principle of communication between Muslims and non-Muslims. Rather, this connection is useful for promoting Islamic culture; However, this relationship should be based on principles such as the inherent dignity of human beings, avoiding domineering, commitment to commitment, and avoiding betrayal, and non-Muslims must avoid all destructive acts during their stay in Islamic cities and preserve the sanctity of Muslim social sanctities. And in return, they should enjoy rights such as presence, freedom, security, and benefit from support services in the Islamic society. Muslims are also obliged to obey the laws in non-Muslim societies and to be preachers of Islam by maintaining moral principles and good social behavior.

Keywords: The unbeliever, Muslim land, Error ۵۰۰ (Server Error)!!۱۵۰۰.That’s an error.There was an error. Please try again later.That’s all we know., Military, commitment

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir

Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477

ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

متن مقاله

۱. مقدمه

اهمیت گردشگری و مسافرت در طول تاریخ همواره مورد نظر بشریت بوده است. گردشگران و کاروانهای سیاحتی با تمامی سختیهایی که پیشرو داشتند؛ به انگیزه های مختلف اجتماعی و فرهنگی و سیاسی تا دورترین نقاط زمین میرفتند. و نتیجه بررسیهای علمی خود را از مشاهداتی که کرده بودند در قالب کتابهایی با عنوان «سفرنامه» تدوین میکردند؛ که در آن مطالبی پیرامون آداب و رسوم وعقاید و تمدن و... ملل و اقوام مختلف مینوشتند؛ تا از این طریق به تجربیات عموم بشر کمک کنند؛ و زمینه پیشرفت جوامع بشری را فراهم گردانند.

قطعا شوق به گردشگری و آشنایی با مناطق مختلف و تمدنهای متعدد از اموری بوده که مورد اهمیت شارع قرار گرفته و آیات و روایات بسیاری به ترغیب مسلمین به این امر پرداخته است؛ که این توصیه ها در واقع پاسخی به ندای فطرت انسانها میباشد؛ علاوه بر این در تاریخ اسلامی نام طیف عظیمی از گردشگران برده شده است؛ که تلاش فراوان در گردشگری داشته اند؛ مانند ابو ریحان بیرونی که مسافرت به هند نموده و این مسافرت چهل سال به طول انجامیده و در آداب و رسوم آنجا به پژوهش میپرداخته و یا ابن جبیر که به اندلس سفر نموده و یا یاقوت حموی که از روم تا مرو آمده و یا ابن بطوطه که از طنجه[۱] تا چین رفته و یا ابن خلدون که از اندلس به سمرقند آمده تمامی اینها را میتوان قهرمانان گردشگری نامید.(طهرانی، الذریعۀ، ج ۱۰، ص ۱۶۵) اما امروزه با آنکه وسائل حمل و نقل پیشرفت کرده و ارتباطات سریع شده است؛ ولی گردشگری همچنان رونق خود را حفظ نموده است؛ بلکه پیشرفت هم داشته تا آنجا که به یک صنعت مهم تبدیل گردیده است؛ که نقش مهمی در رشد اقتصادی و فرهنگی یک جامعه ایفا میکند.

اما از آنجا که با ظهور اسلام و روی آوردن مردم به این دین الهی آحاد بشر به دو دسته مسلمان و غیر مسلمان تقسیم میشوند؛ طبیعتا این تقسیم بندی در جوامع به چشم میخورد تا آنجا که برخی از شهرها را شهرهای اسلامی و برخی دیگر را شهر غیر مسلمین گویند؛ که احکام هر یک از این شهرها با هم متفاوت بوده است. و در نتیجه وظایف و حقوق افراد در هر یک از این شهرها از نظر فقهی متفاوت خواهد بود. بررسی احکام شرعی این روابط ضروری به نظر میرسد؛ البته در این راستا پژوهشهایی صورت گرفته است. مانند: مقاله «مطالعه تطبیقی حقوق مسلمانان اهل ذمه در قانون اساسی ایران و پاکستان» و « حقوق بیگانگان در حقوق بین الملل و اسلام» و « واکاوی عقد امان در حمایت جانی از کفار مستامن...» و « تحلیل و بررسی چالش‌های فقهی و حقوقی حضور گردشگران غیر مسلمان در ایران» اما همانگونه که از عناوین و چکیده این مقالات برداشت میشود؛ برخی از آنها رویکرد حقوقی داشته و بیشتر جنبه های قانونی این روابط مورد بررسی قرار گرفته است؛ و برخی دیگر صرفا حضور گردشگری غیر مسلمین در ایران پرداخته اند؛ نه آنکه تمامی وظایف و حقوق غیر مسلمین در تمامی شهرهای اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. پژوهش حاضر با روش تحلیلی- توصیفی ابتدا به بررسی دیدگاه فقه امامیه در مورد روابط بین المللی مسلمانان و غیر مسلمانان پرداخته و سپس به بررسی وظایف و حقوق هر یک در شهرهای دیگری میپردازد.

۲. اصول روابط بین المللی مسلمین و غیر مسلمین

اسلام به عنوان یک دین جهانی و جاودانه، همه بشریت را در سطح بین المللی - با هر وابستگی اعم از قومی، ملی، زبانی و فرهنگی دارند به عنوان عضوی از خانواده بزرگ جهانی می داند و همه ملیت ها را مورد خطاب و اندیشه دینی خود قرار داده است؛ روابط بین اعضای جامعه جهانی را بر اساس محبت و نیکی و خوبی تنظیم کرده است؛ و شارع مقدس به امور اخلاقی اهمیت وافر داده؛ و به زندگی مسالمت آمیز به دور از هرگونه تبعیضی دعوت میکند؛ امروزه در سایه پیشرفت تمدنها و تکنولوژی و ارتباطات بررسی دیدگاه دین در مورد روابط بین المللی ضروری به نظر میرسد؛ که شاید بتوان از آن به فقه ارتباطات یاد کرد.در سایه تبیین فقه ارتباطات حدود و ثغور بسیاری از حقوق بین الملل از دیدگاه اسلام روشن میگردد؛ که این مقوله نقش مهمی در ارتباط مسلمین با غیر مسلمین ایفا میکند.

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir
Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477
ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

بر اساس آموزه های دینی حکومت جامعه اسلامی طبق مصلحت اسلام و مسلمین میتواند اجازه ورود به شهرهای اسلامی را به غیر مسلمین بدهد؛ و با آنها قراردادهای مسالمت آمیز امضا کرده و برایشان ویزا صادر نماید؛ و در این رابطه فرقی میان کفار کتابی و حربی وجود ندارد؛ زیرا طبق آیه قرآن:« وَ إِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجارَكَ فَأَجِرْهُ حَتّى يَسْمَعَ كَلامَ اللّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لا يَعْلَمُونَ»(التوبة: ۶.) امان دادن به کفار حربی طبق مصلحتهایی که حاکم تشخیص میدهد؛ بلامانع است؛ البته اموری مانند شنیدن آیات قرآن و بررسی در مورد اسلام که در آیه مطرح شده را میتوان به عنوان مثال قلمداد کرد؛ نه آنکه جواز امان دادن به کفار را منحصر در این امور دانست. پس اگر پیمان صلح مشروعی مبنی بر دخول کفار به شهرهای اسلامی بسته شد؛ لازم الوفا است.

میتوان وجاهت فقهی این مطلب را از تصریح بزرگان فقهای امامیه برداشت نمود؛ که حاکم اسلامی میتواند مطابق صلاحدید خود اجازه ورود کفار به سرزمینهای اسلامی را صادر کند. (شیخ طوسی، المبسوط، ج ۲ ص ۱۴؛ علامه حلی، منتهی المطلب، ج ۲ ص ۹۱۴؛ همو، تذکرة الفقهاء ۱: ۴۱۴.) و چنین پیمانی بلامانع میباشد.

علامه حلی انعقاد پیمان صلح با مشرکین را جزء اختیارات امام جامعه اسلامی میداند؛ و بر این مطلب ادعای اجماع نموده است. (علامه حلی، منتهی المطلب ۲: ۹۱۴؛ همو، تذکرة الفقهاء ۱: ۴۱۴.) البته ایشان مشروعیت این پیمان را محدوده به شنیدن آیات قرآن و بررسی در مورد دین اسلام نکرده و امور اقتصادی و انگیزه های دیگر را نیز مثال زده است. (همان، ۱: ۴۴۴.) همانگونه که در متون مذکور مشاهده میشود؛ این حکم مطلق بوده و شامل کافر حربی و غیر آن میشود. کاشف الغطا پا را فراتر گذاشته و در این رابطه میگوید: « امان دادن به کفار اگر حاوی مصلحت باشد؛ جایز یا مستحب است و اگر ترک آن حاوی مفسده باشد؛ واجب میشود.» (کاشف الغطاء، کشف الغطاء: ۳۹۷)

در شرایط فعلی که ارتباطات تنگاتنگ سیاسی و اقتصادی و فرهنگی میان دولتها حکمفرماست؛ تنظیم قراردادهایی با کفار بر اساس معیار های قانونی کاملا موافق موازین فقهی میباشد. زیرا فرض بر این است که حاکم طبق مصالح جامعه اجازه برقراری ارتباطات دوستانه با دول غیر مسلمان را دارد؛ و این مطلب را نمیتوان با احکامی که در فقه در مورد کافر حربی بیان شده است مخدوش کرد؛ زیرا در حالت مذکور چنین کافری از زمره کفار حربی خارج شده؛ و معاهد یا مستامن محسوب میشود؛ که جان و مالش در امان است؛ مگر انکه طرف مقابل به قرارداد پایبند نباشد؛ یا از برخی از تحرکات ضد اسلامی از وی دیده شود؛

همانگونه که در سیره نبوی مشاهده میشود؛ میتوان چنین گفت که اسلام سعی فراوان دارد که با همه دولتها و ملتها ارتباط برقرار نماید و جوی آکنده از تفاهم و زندگی مسالمت آمیز جهانی را ایجاد کند؛ (احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج ۲ ص ۳۱۵) البته این به معنای تایید عقائد کفار و حقانیت دیدگاهشان نیست. همانگونه که شکی در حقانیت دین مقدس اسلام نداریم؛ اما برخی از واقعیتهای اجتماعی و بین المللی را نمیتوان نادیده گرفت؛ ما خواسته یا نا خواسته در دنیایی زندگی میکنیم که انبوهی از ملیتها و قومیتها در آن وجود دارد؛ که هر کدام تمدن و فرهنگ مخصوص به خود را دارند؛ آنچه که اسلام به عنوان یک هدف نهایی مد نظر دارد؛ و برای رسیدن به آن تلاش میکند؛ حاکمیت دینی و برپایی یک دولت واحد جهانشمول است؛ و در نهایت یک فرهنگ و تمدن تحت تعالیم قرآنی بر زمین حاکم گردد؛ ولی بین واقعیتهای موجود و این آرمان شکافی وجود دارد؛ که طبق ادله قطعی این شکاف نابود خواهد شد. اما طبق روشی که دین اسلام پیشنهاد میدهد.

البته این روابط باید بر پایه برخی از اصول و ضوابط شرعی تنظیم گردد؛ تا روابط دوستانه تحکیم شود و از مخاطرات احتمالی پیشرو جلوگیری گردد. که در ادامه به برخی از آنها اشاره میشود:

۲.۱. احترام کرامت ذاتی انسانها

طبق آیات قرآن کریم تمامی انسانها از جانب خداوند سبحان تکریم شده (اسراء/۷۰) که با چشم پوشی از تمامی تفاوتهای قومی و رنگی و درگیریهای اعتقادی و فرهنگی لازم است کرامت انسانی محفوظ ماند؛ زیرا طبق آموزه های دینی انسان دارای فطرت خداجو بوده که این فطرت به وی جایگاه میدهد؛ (روم/۳۰) به همین خاطر مهمترین هدف تعالیم اسلام

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir
Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477
ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

تامین سعادت و موفقیت انسانها است. لذا رسالت اسلام ایجاد صلح و آرامش بین همه ابناء بشر بوده است. (نهج، نامه ۵۳) میتوان این اصل را منشاء تمامی حقوق انسان دانست. (عمید، فقه سیاسی، ج ۲ ص ۱۲۸) میتوان میزان قابل توجهی از تاثیر این اصل بر قوانین جمهوری اسلامی ایران را مشاهده کرد تا آنجا که در بند ششم اصل دوم قانون اساسی به وضوح به اصل کرامت انسان اشاره گردیده است.

باید گفت از این لحاظ هیچ مرزی میان انسانها وجود ندارد؛ و لو مرزهای اعتقادی؛ لذا در روایاتی از مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آمده است؛ که ایشان در تشییع جنازه یک یهودی شرکت نمودند؛ و وقتی که یکی از اصحابشان یهودی بودن جنازه را به ایشان متذکر گردید؛ حضرت در پاسخ فرمودند: «الیست نفسا» یعنی آیا انسانی نبوده است.«مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۲۷۳) با دقت در این روایت میتوان گفت با آنکه تشیع جنازه یک عمل عبادی محسوب میشود؛ که برای تحقق آن قصد قربت لازم است؛ اکرام به انسانها ولو غیر مسلمان باشند؛ مورد علاقه خداوند سبحان بوده و موجب تقربت به ذات ربوبی میگردد.

۲.۲. اصل پرهیز از سلطه گری

اسلام با تمامی اقسام ظلم و سرکشی مخالفت نموده است؛ و تمامی مصادیق آنها را تقبیح کرده و مخالف عقل و منطق میداند؛ البته از دیدگاه سیاسی اسلام سرمنشاء این پدیده درون انسانهاست؛ لذا طبق آیات قرآن اولین انحراف عالم از استکبار شیطان شکل گرفته است (بقره/ ۳۴) و در طول تاریخ تمامی طغیانها در مقابل دعوت پیامبران ریشه در استکبار دارد.(بقره ۸۷) و در قیامت هم یکی از عواملیست که جهنمیان بخاطر آن مواخذه میشوند.(جاثیه/ ۳۱) لذا از دیدگاه قرآن شخص مستکبر نه تنها خود را به هلاکت میاندازد؛ بلکه باعث هلاکت مستضعفین دیگر نیز میشود.(سبا/ ۳۱) البته بسیاری از سیاستهای سلطه گرانه به صورت مجموعه ای از توطئه‌های شیطانی و پنهانی محقق میگردد.(فاطر/۴۳) که در نهایت هم محکوم به فنا و نابودی هستند. (فطر/۴۴)

۲.۳. اصل التزام به تعهد

وفای به عهد یکی از اصول ریشه ای و متعالی در ارتباطات بین المللی بوده؛ که شرع مقدس هم به آن تاکید فراوان دارد؛ طبق آیات متعدد قرآن کریم (المائدة: ۱، الإسراء: ۳۴، الرعد: ۲۵، التوبة: ۴، التوبة: ۷، الأنفال: ۵۶-۵۸) و روایات متظافر(حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۳ ص ۳۲۷) وفای به عهد و پیمان جزء اصول اخلاقی دین اسلام محسوب میشود؛ تا آنجا که میتوان این حکم را جزء ضروریات دین مهمترین واجبات اجتماعی و سیاسی اسلام بر شمرد. (منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج ۱ ص ۱۱۵) لذا پایبندی به عهد و پیمان لازم بوده و نقض عهد بدترین ظلم اجتماعی و سیاسی است که به قله ظلم تشبیه شده است. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵ ص ۳۲۰)

البته این حکم امضایی بوده و در واقع عقل ما را به آن میرساند؛ زیرا تمامی آزادی بشر و پیشرفتهای اجتماعی او شکوفایی اقتصادی و رشد فرهنگی و هر آنچه که خوشبختی انسان را رقم میزند در تمامی سطوحش مرهون تعامل و همکاری است؛ که این تعامل در سایه اعتماد و امنیت شکل میگیرد؛ که روابط محکم و صادقانه زمینه ساز این امنیت است. پس عجیب نیست که اسلام بر جایگاه عهد و پیمان پافشاری نموده؛ زیرا این دین جهانشمول بوده و تمامی روابط بشری را در نظر دارد؛ مگر آنکه در یک معاهده طرف مقابل عهد شکنی کند؛ که در این صورت دیگر عهدی نیست که لازم باشد مسلمین بر آن پایبند باشند؛ در اینجا هم شارع راه مقابله به مثل را باز کرده است.(طباطبایی، المیزان، ۹: ۱۱۳- ۱۸۸.)

البته این حکم مطلق بوده و طبق فتاوی فقها ؛ وقتی مشروعیت آن قرارداد روشن گردید؛ وفای به آن لازم است. و فسخ یک طرفه آن بدترین گناهان است.خواه طرف قرارداد مسلمان باشد و خواه کافر باشد؛ (طوسی، المبسوط،: ۱۵) خواه طرف قرارداد یکی از آحاد جامعه اسلامی باشد و خواه دولت اسلامی باشد. (همان، ۲: ۵۸.) و حتی فریبکاری در آن پیمان هم جایز نیست. (علامه حلی، تذکرة الفقهاء ۱: ۴۱۵) و اگر نقض عهدی با کفار صورت گرفت؛ دولت اسلامی موظف است جلوی این کار را بگیرد. (همو، منتهی المطلب ۲: ۹۱۶) البته در مورد حکمت تاکید اسلام بر وفای به عهد با کفار چنین بیان شده که اگر مسلمین به عهد خود وفا نکنند؛ اعتماد به آنها از بین میرود؛ و گاهی نیاز به عقد و پیمان صلح میشود؛ که

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir
Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477
ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

دیگر میسر نیست. (علامه حلی، منتهی المطلب ۲: ۹۸۰) صاحب جواهر هم به اجماعی بودن لزوم وفای به عقد صلح تصریح نموده است؛ و به برخی از آیات قرآن که قبلا بیان گردید استناد کرده است. (نجفی، جواهر الکلام ۲۱: ۲۹۴ و ۳۱۲)

البته لازم به ذکر است که تعهداتی که از جانب حکومت اسلامی داده میشود؛ از آنجا که قائم به افراد نیست؛ هر اتفاقی که قبل از پایان پیمان بیفتد مانند فوت حاکم و ... پیمان نقض نمیگردد و توسط جانشین وی لازم الوفاست.(نجفی، جواهر الکلام ۲۱: ۳۱۳؛ طوسی، المبسوط ۲: ۵۶.)

۲.۴. اصل پرهیز از خیانت:

اسلام تمامی فعالیتهایی که منجر به خیانت و فریب کفار گردد را تقبیح نموده است؛ بی شک پیمان شکنی یکطرفه و بدون اعلام قبلی، مصداق خیانت بوده و فقها به استناد آیه «فَأَتِمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلى مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» تصریح کرده اند که حاکم اسلامی یا آحاد جامعه اسلامی اجازه نقض پیمان را ندارند؛ و صرف احتمال خیانت یا خطر نمیتواند مجوزی برای پیمان شکنی باشد؛(منتظری، نظام الحکم فی الاسلام، ص ۴۳۵) که علامه حلی این حکم را اجماعی معرفی نموده است. (علامه حلی، منتهی المطلب، ج ۱۵ ص ۱۵۰) لذا اجازه تعرض به کفاری که برای گردشگری یا تجارت به شهرهای اسلامی سفر میکنند داده نمیشود؛ بلکه باید بعد از اعلام در امان نبودنش در جامعه اسلامی مقدمات بازگشتش به دار الحرب فراهم گردد.(جمعی از نویسندگان، مجله فقه اهل البیت، ج ۳۷ ص ۲۲۶)

لازم به ذکر است که شرایط پیمان صلح با کفار در حال جنگ و در اوضاع غیر جنگی تفاوت دارد؛ زیرا اسلام در زمان صلح برنامه هایی برای جذب کفار و ایجاد انگیزه در آنها برای گرویدن به اسلام ارائه میدهد؛ پس کوچکترین خیانتی موجب نقض این غرض میگردد؛ اما هدف اسلام از صلح در زمان جنگ صرفا دور کردن دشمن از مرزهای اسلامی است. پس ماهیت جنگ تلاش همه جانبه ای را میطلبد که به پیروزی بیانجامد؛ البته دین مقدس اسلام در این رابطه هم تلاش فرهنگی و اخلاقی خود را از دست نداده؛ مثلا در در کتب فقهی، برخی از توصیه های اخلاقی نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در زمینه جهاد بیان گردیده است. (کاشف الغطا، کشف الغطاء، ص ۳۸۳؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵ ص ۲۸۹؛ همو، مرآة العقول، ج۱۰ ص ۳۲۲، مازندرانی. شرح الکافی، ج۹ ص ۳۷۳ و ۴۰۶.)

۳. وظایف غیر مسلم در شهرهای اسلامی

کفاری که در شهرهای اسلامی اقامت دارند؛ یا به انگیزه های گوناگون به این شهرها سفر میکنند؛ موظفند برخی از امور را رعایت کنند؛ که میتوان حقوقی مانند حق اقامت یا مصونیت را متوقف بر میزان پایبندی آنها به این وظایف و مقررات دانست؛ که اگر از این ضوابط تخطی نمایند؛ طبق قانون با آنها برخورد میشود؛

۳.۱. پرهیز از اعمال جاسوسی و خرابکارانه و ایجاد فتنه و آشوب در جامعه اسلامی

واژه جاسوسی در لغت، به معنای جستجو کننده خبر، و خبرپرسی آمده است و مترادف با تجسس می‌باشد. (دهخدا، لغت نامه فارسی، ج۵: ۶۴۵۸، واژه جاسوسی). اما در اصطلاح عوم سیاسی، به معنای گردآوری پنهانی اطلاعات و اسرار نظامی، سیاسی، اقتصادی یا صنعتی، با عناوین غیرواقعی و پنهانی به نفع یکی از دو طرف درگیری است. (ولیدی، حقوق جزای اختصاصی، ج ۳، ۱۰۶) و در اصطلاح

حقوق‌دانان جاسوس به شخصی اطلاق می‌شود که در پوشش‌های متقلبانه به نفع دشمن درصدد تفحص پیرامون اسرار یا تحصیل اطلاعات و مدارک و اسناد مربوط به توانایی‌های نظامی، اقتصادی و فرهنگی یک کشور و انعکاس آن‌ها به کشور دشمن باشد». (همان) طبق آیه ۲۷ سوره انفال این جرم یکی از اموریست دین اسلام بر مقابله با آن پافشاری بسیار دارد. زیرا در تفسیر این آیه چنین بیان شده است که «جبرییل نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آمد و مکان ابوسفیان را گفت تا به جنگ علیه او و طرفدارانش بپردازد ولی یکی از منافقان اطلاع یافت و ابوسفیان را از آمدن مسلمانان خبردار کرد و (این آیه در شان جرم وی نازل شد)». (فیض کاشانی، محجه البیضاء، ج ۴ ص ۱۸۲) در آیه ۲۳ و ۴۷ سوره توبه نیز جاسوسان به عنوان ظالمان معرفی شده اند؛ و در آیه ۴۱ سوره مائده

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir
Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477
ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

به آنها وعده عذاب عظیم داده شده است.

از منظر فقه سیاسی، جاسوسی عبارتست از گردآوری و گزارش مخفیانهٔ اخبار و اطلاعات سرّی کسی یا مؤسسه‌ای و یا کشوری به طرف مقابل یا افراد و یا کشور ذی نفع.(هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه، ج ۳ ص ۳۶) ظاهرا یکی از ارکان مهم این پدیده آنست که افراد تحت پوشهای متفاوت این کار را انجام میدهند؛ و این مطلب صبغه تاریخی داشته؛ زیرا طبق شواهد تاریخی گاهی اشخاصی عادی نیز به صورت موردی و کوتاه مدت به این عمل گمارده می‌شدند؛ گاهی جاسوسانی حرفه‌ای بودند که در پوششهای مختلف به محل ماموریت خود نفوذ میکردند؛ که ظاهرا یکی از شایع‌ترین این پوشش‌ها، معرفی کردن خود در لباس تجار بوده است؛ کما اینکه ابوجعفر منصور برای جلوگیری از فعالیت جاسوسان در لباس تجار چاره‌ای جز آن ندید که بازار را از مرکز شهر بغداد به محله‌ی کرخ منتقل کند تا اگر نمی‌تواند جاسوسان را بشناسد، دست کم امکان خبرگیری آن‌ها را محدود کند. (طبری، تاریخ طبری، ج ۷ ص ۶۵۳) و البته پوشش جاسوسی به تجارت مختص نمیشده و طبق گزارشهای تاریخی برخی مواقع نیز جاسوسان در لباس درویشان و فقیران ظاهر می‌شدند؛ این پوشش به اندازه‌ای برای جاسوسی شیوع داشت که گفته می‌شود طی سال‌ها، بسیاری از درویشان واقعی، قربانی سوء تفاهم گشتند و به عنوان جاسوس کشته شدند. (قلقشندی، صبح الاعشی، ، ج۷، ص۲۶۲، ج۶۸: ۸؛ نویری، نهایه الادب، ج۳۱: ۹۰)با آنکه وظیفه اصلی جاسوس رساندن خبر از نهان دشمن بود، اما گاه کارکردهای دیگری نیز برای او مفروض بود؛ از جمله برخی جاسوسان وظیفه داشتند که در صفوف دشمن رخنه کنند و بدون آنکه مقصد خود را آشکار سازند، در لباس خودی به تضعیف سازمان‌دهی آنان بپردازند. (کاشف الغطاء، کشف الغطاء، ج۲: ۴۰۰) یا موضع خصمانه‌ی خود را بر شماری از خواص آشکار کنند و آنان را به وعده و فریب به همکاری با دشمن فرا خوانند. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج۱۳: ۴۵)

در هر صورت از دیدگاه فقهی جاسوسی جزء جرائم سیاسی محسوب شده (طوسی، المبسوط، ج ۲ ص ۱۵) که مجازات دارد؛ البته کیفیت مجازات جاسوسان به شرایط و صفات جاسوس بستگی دارد. بر همین اساس میتوان جاسوسان را به سه گروه تقسیم کرد:

الف) جاسوسان مسلمان: طبق آیات قرآن این کار مصداق خیانت به جامعه اسلامی محسوب میشود (انفال/۲۷؛ ممتحنه/ ۱) و مجازات آن تعزیر معرفی شده است. (قواعد الاحکام ج ۱ ص ۵۰۵) البته برخی با استدلال به روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مورد حاطب چنین جرمی را مستحق اعدام میدانند.(طبرسی، مجمع البیان ۹: ۲۶۹- ۲۷۰، مفید، الإرشاد ۱: ۵۶- ۵۹) اما با دقت حدیث مذکور میتوان این نظریه را مخدوش دانست؛ زیرا طبق این حدیث نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از گناه حاطب گذشتند. البته برخی این گذشت را بخاطر سوابق حاطب میدانند؛ چون نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم متعرض عمر که میخواست او را بکشد؛ نشدند.(زهر الدین، الاستخبارات و الأمن ۳: ۳۷۳- ۳۷۵) لذا به طور کلی میتوان کشتن چنین جاسوسی را جایز دانست؛ زیرا در برخی از مواقع خطر چنین جاسسی بیشتر از جاسوسهای کفار حربی است.(زکی، الاستخبارات العسکریة: ۲۳۰) اما با توجه به آنکه بخشش پیامبر و قبول عذر حاطب قبل از حرف عمر بوده نمیتوان این نظریه را پذیرفت.(جمعی از نویسندگان، مجلة فقه أهل البیت علیهم السلام (بالعربیة)، ج۱۲-۱۱، ص: ۱۴۰)

البته طبق قاعده «التعزیر بید الحاکم» میزان تعزیر چنین جاسوسی به تشخیص امام بستگی دارد؛ لذا در برخی از روایات تاریخی در احوال امام علی (علیه السلام) نمونه‌هایی دیده می‌شود که آن حضرت جاسوسانی از سوی اردوی معاویه یا اردوی خوارج را شناسایی کرده‌اند، ولی رفتار آن حضرت با این جاسوسان بردبارانه بوده است. (طبرسی، احتجاج، ج ۱ ص ۳۵۷؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱ ص ۳۲۹)

ب) جاسوسان کافر حربی: حکم این دسته از جاسوسان اعدام است؛ و قرارداد امان آنها بخاطر تخلفی که دارند؛ باطل میگردد. همانگونه که طبق نقل فریقین، نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در موارد متعدد این حکم را صادر نموده اند. از جمله بخاری نقل میکند که یکی از جاسوسان مشرکین را نزد نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir
Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477
ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

آوردند؛(بخاری، صحیح البخاری ۴: ۳۱) و ایشان فرمودند او را بگیرید و بکشید. و نیز ابی داوود نقل میکند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم دستور به قتل فرات که جاسوس ابوسفیان بود داد.(ابی داوود سجستانی، سنن أبی داود ۳: ۴۸،) امثال این روایات را در منابع شیعه نیز میتوان یافت. (مغربی، دعائم الإسلام ۱: ۳۹۸؛ نوری، مستدرک الوسائل ۱۱: ۹۸، بلاذری، أنساب الأشراف ۲: ۴۱۸؛ طبری، تاریخ الطبری ۵: ۱۳۰؛ مجلسی، بحار الأنوار ۳۳: ۴۱۷) که میتوان از مجموع این روایات متظافر مسلم بودن این حکم در فقه اسلامی را برداشت کرد؛ و میتوان گفت حکمت این حکم جلوگیری از اختلال نظام است. (جمعی از نویسندگان، مجلة فقه أهل البیت علیهم السلام (بالعربیة)، ج۱۲-۱۱، ص: ۱۴۳)

ج) جاسوسان کافر ذمی: کفار ذمی با انجام جاسوسی از شرایط ذمه خارج میشوند؛ زیرا با این کار به مشرکین در جنگ با مسلمین یاری رساندند؛ خواه این مطلب در قرارداد ذمه با آنها قید شده باشد و خواه قید نشده باشد. لذا فقها بالاتفاق هر عملی که منافی با امنیت جامعه اسلامی باشد را ناقض قرارداد امان و ذمه میدانند؛(نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۱ ص ۲۶۱) با این استدلال که وقتی آنها با این قبیل افعال با ما وارد جنگ شده اند؛ قتال بر ما واجب شده و دیگری قراردادی در بین نمیماند.(علامه حلی، منتهی المطلب ۲: ۹۶۹) و اساسا علت اینکه بسیاری از فقها ترک این جاسوسی برای دشمن را به عنوان یکی از شروط ذمه نیاورده اند؛ وضوح این شرط است؛(ریاض، ج ۸ ص ۴۸) با آنکه برخی از فقها این شرط را نیز جزء شروط ذمه بیان کرده اند.(شرایع ج ۱ ص ۳۰۰) باید توجه داشت که پناه دادن به جاسوسان مشرکین نقض قرارداد ذمه محسوب شده و اگر کفار ذمی این کار را انجام دهند؛ از امنیت جانی و مالی و عرضی که در جامعه اسلامی داشتند؛ محروم میگردند. (محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۱ ص ۳۰۰)

د) جاسوس دوجانبه: در برخی از موارد حکومت اسلامی میتواند با امان دادن به جاسوسهای کفار بدون آنکه برای جامعه اسلامی مفسده ای داشته باشد؛ آن جاسوسها را برای منافع نظامی و امنیتی به استخدام خود در آورد؛ که از نظر فقهی جواز این کار موجه بوده؛ زیرا از برخی روایات از سیره نبوی میتوان جواز این عمل را برداشت کرد مانند روایتی که یکی از یهودیان از ایشان امان خواست و در مقابل اطلاعاتی در مورد برخی ازقلعه های یهودیان به مسلمین داد؛ و نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز این امان را پذیرفتند؛(واقدی، المغازی ۲: ۶۴۷- ۶۴۸ و ۵۶۲-۵۶۳)

۳.۲. پرهیز از تجاوز به جان و مال مسلمین و در خطر انداختن امنیت مسلمانان

از آنجا که یکی از ارکان مهم زندگی اجتماعی امنیت بوده که طبق آیات قرآن این امر از بدو خلقت انسان برای آنها ضروری بوده(بقره/۳۵) و میتوان اهمیت آن را در سیره فردی و اجتماعی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و وسلم نیز کاملا مشاهده کرد.

البته میتوان گفت عمده دلیل نا امنی فردی و اجتماعی درونی بوده و از صفاتی مانند تعصب ، تکبر، کینه، جاه طلبی و .... نشات میگیرد؛ (ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، ج ۱ ص ۵۹) لذا طبق آموزه های دینی جهاد که برای ایجاد امنیت جامعه ضروری است؛(جمعی از محققین، فرهنگ موضوعی جهاد و دفاع، ص ۲۵) درجاتی دارد. ولی بالاترین درجه جهاد، جهاد با نفس یعنی ریشه کن کردن این رذایل اخلاقی معرفی شده است.(ابن بابویه، امابی، ص ۴۶۷)

ولی در هر صورت حکومت اسلامی موظف به تامین حداکثری امنیت جامعه اسلامی است.(منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج ۸ ص ۲۲۴) به همین جهت فقها در راستای این هدف احکام متعددی فردی و اجتماعی را از آیات و روایات استخراج نموده اند؛ و اساسا میتوان رسیدن به امنیت را یکی از حکمتهای بزرگ تشریع جهاد به عنوان یکی از ارکان انکار ناپذیر دین مقدس اسلام معرفی نمود . (جمعی از محققین، جهاد در آینه روایات، ج ۱ ص ۴۶۹)

از آنجا که طبق آیات قرآن یکی از اهداف دشمنان اسلام به مخاطره انداختن امنیت جامعه اسلامی است؛ (آل عمران/ ۱۱۸) و یکی از راههای رسیدن به این هدف تاثیرگزاری بر روی افراد غیر مسلمانی است که با جامعه اسلامی در ارتباط هستند؛ همواره لازم است این مطلب مد نظر

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir
Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477
ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

افرادی که پیرامون آسیب شناسی ارتباط جامعه اسلامی با غیر مسلمانان فعالیت میکنند؛ قرارگیرد. از اینرو برخی از احکام در فقه اسلامی برای جلوگیری از معضل ناامنی توسط غیر مسلمین در جامعه اسلامی بیان گردیده است. که به عنوان نمونه میتوان به موارد زیر اشاره نمود:

الف) طبق گزارشهایی که از سیره نبی مکرم اسلام واصل شده است؛ ایشان دستور به حبس برخی از کفار دادند؛ که احتمال مخاطرات امنیتی برای جامعه اسلامی داشتند.(مفید، الارشاد، ص ۵۸؛ ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۱، ص ۲۰۰)

ب) طبق نظر فقهای امامیه، حاکمان عادل می‌توانند کسانی [از کفار و شورشیان] را که در دسترسشان است برای آزادی اسیران خود به گروگان بگیرند.(علمه حلی، تذکرة الفقهاء، ج ۹، ص ۴۳۴؛ تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۱۵۶) البته این نظریه مختص به فقه امامیه نبوده و برخی از علمای اهل سنت نیز این نظریه را تایید میکنند؛(ابن قدامه، المغنی، ج ۸، ص ۱۱۵؛ ابن عبد البر، الانصاف، ج ۱۰، ص ۳۱۵؛ ابن عابدین، شرح ابن عابدین، ج ۳، ص ۳۱۱) و برای این حکم به روایتی از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم استناد میکنند؛ که ایشان در برخوردشان با بنوعامر که دو تن از مسلمین را به اسارت گرفته بودند؛ یکی از طایفه ثقیف که همپیمان بنو عامر بود به اسارت گرفت و این کار را مجازات جرم بنو عامر معرفی نمودند. (صنعانی، المصنف عبد الرزاق، ج ۵، ص ۲۰۶؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱۸، ص ۲۹۰)

ج) طبق نظر فقهای امامیه میتوان از بازگشت کافر مستامن به دار الحرب ممانعت نمود؛(ابن براج، المهذب، ج ۱ ص ۳۰۹)

د) طبق گزارشات تاریخی نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در مورد حکم بن ابی العاص که مشغول استراق سمع بود؛ حکم دستگیری وی را صادر نمودند. (هیثمی، مجمع الزوائد، ج ۵ ص ۲۴۳)

۳.۳. حفظ حرمت مقدسات در جامعه اسلامی

با وجود اینکه غیر مسلمین در جامعه اسلامی آزادیهای شخصی و اجتماعی خود را دارند؛ ولی حق ندارند از این آزادی سوء استفاده کرده و شعائر خودشان که در تعارض با شعائر اسلام است را علنی برگزار کنند. بلکه باید در مقابل قانون اسلام تمکین داشته باشند.

البته مسئولین جامعه اسلامی هم باید این توجه را داشته باشند که در زمان بستن پیمان صلح مصالح امت اسلامی را در نظر گرفته و مواد قرارداد را طوری تنظیم کنند که تمامی این واجبات بیان گردد؛ تا طرف مقابل مورد اجحاف قرار نگیرد. (طوسی،المبسوط ۲: ۱۴، ۳۴؛ نجفی، جواهر الکلام: ۲۱: ۲۶۵؛ علامه حلی، تذکرة الفقهاء ۱: ۴۴۷؛ همو، تحریر الأحکام ۲: ۱۳۷؛ همو، منتهی المطلب ۲: ۹۱۷؛ کاشف الغطاء، کشف الغطاء: ۴۰۰.) ولی با این همه چه در عقد ذمه این شروط بیان شود و چه نشود. غیر مسلمینی که در جامعه اسلامی زندگی میکنند؛ موظف به رعایت این شوونات هستند؛

البته بین فقها اختلاف نظر وجود دارد که آیا اظهار منکرات در جامعه اسلامی توسط غیر مسلمانان موجب بطلان و نقض عهد ذمه میشود یا صرفا باید شخص مجرم اسای موازین شرعی مجازات شده ولی به قرار داد ذمه او خللی وارد نمیشود؟ مشهور فقها انجام این منکرات را موجب نقض عقد ذمه میدانند؛ تا جایی که برخی از فقها بر این نظریه ادعای اجماع نموده اند. (نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۱ ص ۲۷۰) که ظاهرا مستند ایشان روایتیست از امام صادق علیه السلام: « نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم جزیه را از اهل جزیه میپذیرفتند به شرط آنکه شراب ننوشند و ربا نخورند و گوشت خوک نخورند؛ ولی اگر چنین میکردند دیگر عقد ذمه ای در کار نبود.»(حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵ ص ۱۲۵)

اما در مقابل شیخ طوسی قائل به آنست که مطلقا انجام منکرات توسط اهل ذمه موجب انتقاض قرارداد ذمه نشده ولو آنکه در قرارداد به عدم انجام این امور تصریح شده باشد؛ بلکه صرفا مانند یکی از شهروندان مسلمان با آنها برخورد میشود.(طوسی، المبسوط، ج ۲ ص ۴۴)

در این قول سومی هم وجود دارد؛ که قایل به تفصیل است؛ یعنی اگر این ترک امور در قرارداد ذمه تصریح شده باشد؛ انجام منجر به نقض قرارداد ذمه میگردد؛ ولی اگر این امور در قرارداد ذمه نیامده؛ انجام آنها خللی در قرارداد ذمه ایجاد نمیکند؛ بلکه صرفا مجرم متناسب با جرم انجام شده مجازات میگردد؛(علامه حلی، قواعد الاحکام، ج ۱ ص ۴۸۲)

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir
Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477
ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

با توجه به آنکه طبق تصریح مشهور فقها صرف پرداخت جزیه و التزام به احکام اسلامی در انعقاد قرارداد ذمه کافی بوده (نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۱ ص ۲۶۷) انجام علنی منکرات در جامعه نمیتواند این قرارداد را لغو نماید؛ لذا نظریه اول قابل پذیرش نیست؛ روایتی هم که مشهور برای توجیه این نظریه آورند؛ قابل نقد است؛ زیرا این روایت ظهوری در اخلال مطلق عقد ذمه با انجام محرمات نداشته بلکه ظهور در آن دارد؛ نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم این امور را در ضمن عقد ذمه بیان میکردند. که در نتیجه در صورت نقض این امور قرارداد ذمه نقض میگردید (طباطبایی، ریاض المسائل، ج ۸ ص ۴۹)

نظریه شیخ طوسی نیز با توجه به روایت فوق الذکر قابل نقد است؛ زیرا در این روایت تصریح شده که بعد از بیان این امور در عقد ذمه و شکستن آنها از جانب کفار دیگر عقد ذمه نقض میشده؛ پس میتوان نظریه سوم یعنی تفصیل بین دو حالت ذکر این امور در عقد ذمه و عدم ذکر را موجه دانست؛ زیرا این نظریه به ظاهر روایت مذکور نزدیکتر است؛ البته برخی کوشیده اند که برای این نظریه از قاعده « المومنون عند شروطهم» استفاده نمایند؛ و بگویند در صورت بیان این امور ضمن عقد ذمه کفار موظف به التزام به این امور هستند؛ به قسمی که اگر انجام ندهند این قرارداد منتفی میشود؛ ولی با توجه به آنکه طرف مقابل این قرار داد کفار هستند؛ و تخصصا از موضوع قاعده مذکور یعنی مومنین خارج میباشند؛ نمیتوان جایگاهی برای این قاعده تصور نمود.

۴. حقوق غیر مسلمین در شهرهای اسلامی

غیر مسلمانی که با دولت اسلامی پیمان بسته است و مطابق ضوابط آن عمل میکند و به عنوان تاجر یا گردشگر وارد شهرهای اسلامی میشود؛ باید در مدت حضورشان در شهرهای اسلامی از برخی حقوق بهره مند گردد؛ و دولت موظف به تامین این حقوق است.

۴.۱. حق حضور

طبق ادله شرعی غیر مسلمین به چهار گروه تقسیم میشوند:

الف) ذمی: کفار اهل کتابی را شرایط ذمه را پذیرفته اند و به عنوان شهروندان جامعه اسلامی محسوب میشوند؛ که جامعه اسلامی در قبال پرداخت جزیه موظف به پاسداری از مال و جان و ناموس آنهاست.(نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۲۷۶)

ب) کفار معاهد: کفار غیر ذمی که پیمان ترک قتال با حکومت اسلامی داشته و دولت اسلامی اموال و جان آنها را معصوم میدانند؛ (علامه حلی، تحریر الاحکام، ج ۲ ص ۲۱۸) که دولت اسلامی میتواند طبق مصالح جامعه به این افراد اجازه ورود به شهرهای اسلامی را بدهد؛(همو، تذکره الفقهاء، ج ۹ ص ۳۷۲) البته باید مدت حضور آنها در جامعه اسلامی و خدماتی که به آنها ارائه میشود؛ اعم از آموزشی یا گردشگری یا تجاری رصد گردد.(محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۱ ، ص ۳۰۳)

ج)کافر مستامن: کافری که از جامعه اسلامی امان خواسته و دولت اسلامی هم به وی امان داده است؛ تا بیاید و در مورد جایگاه اسلام و عقاید مسلمین و فرهنگ اسلامی و ... تحقیق نماید. (طوسی، المبسوط، ج۸ ص ۳۷) البته این قرارداد باید قبل از اسارت کافر منعقد گردد. ولو آنکه سپاه اسلام در مرحله پیروزی باشد؛ ولی وقت اسارت هم میتوان با صلاحدید امام این قرارداد را تنظیم نمود. (هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه اسلامی، ج ۱ ص ۶۵۲)

د) کافر حربی: کافری که به خصومت در مقابل جامعه اسلامی پرداخته است؛ که در این صورت مطابق ادله شرعی جان و مال و آبرویش احترامی ندارد؛(نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۸، ص ۸) و مسلمین باید بعد از اتمام حجت با وی به قتال بپردازند؛(همان، ج ۲۱ ص ۴۶) چنین کفاری اجازه ورود به جوامع اسلامی را نداشته؛(همان، ج۲۱، ص ۱۹۳) و اگر وارد شد امنیتی برای وی قابل تصور نیست.

۴.۲. حق آزادی

بهره برداری از آزادی کامل در انجام مراسمات دینی و برگزاری آیینهای قومیتی در معابد و مراکز دینی که قانون به صراحت آنها را به رسمیت میشمارد؛ البته مشروط به آنکه این اعمال منجر به شکست حرمت اسلام نگردد. لذا صاحب جواهر در نقد مشهور فقها که احداث کلیسا و به صدا در آورد ناقوس را موجب تعزیر کفار میدانند؛ این نظریه را مخالف اصل و

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir
Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477
ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

اطلاق ادله میدانند.(نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۱ ص ۲۷۱) با آنکه برخی این نظریه را اجامعی میدانند.(ابن زهره، غنیه النزوع، ۲۰۳)

طبق روایات متعدد و اجماع فقهای امامیه کفار آزادی در فعالیتهای شخصی از جمله شرب خمر و خوردن گوشت خوک و ... دارند؛ البته مشروط به آنکه در پنهانی و یا اماکن دربسته صورت گیرد؛(حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۲۲۷) ولی اگر در اماکن عمومی این کار انجام گردد؛ شخص مناسب با فعل انجام شده مجازات میگردد.(سبزواری، المهذب، ج ۲۸ ص ۴۸)

و نیز کفار اجازه حضور در بازارهای مسلمین و انجام فعالیتهای تجاری را داشته و خرید و فروش با آنها کاملا مشروع بوده و هیچ فقیهی اسلام طرفین معامله را شرط صحت آن معامله معرفی نکرده است؛ بلکه تمامی احکام تجاری اسلام مانند حرمت خیانت و غش و... در معامله با چنین کفاری جاری میشود. (گروهی از مولفین، مجلة فقه أهل البیت علیهم السلام (بالعربیة)، ج۳۷، ص: ۲۳۴) البته برخی فقها فروش برخی از اجناس مانند قرآن را به کافر ممنوع اعلام کرده اند.(علامه حلی، منتهی المطلب، ج ۱۵ ص ۳۹۳) و برای این حکم ادله متعددی بیان کرده اند. (نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۲ ص ۳۳۸) ولی طبق نقدهایی که برخی از علمای معاصر بر تمامی این ادله وارد نموده اند.(مکارم شیرازی، انوار الفقاهه- کتاب البیع، ص ۵۶۷) این نظریه مخدوش میباشد.

۴.۳. حق امنیت

از دیدگاه فقه اسلامی هیچ کس از آحاد جامعه اسلامی حق تعرض به غیر مسلمانی را که با پیمان صلح در جامعه اسلامی وارد شده اند؛ ندارد. و اگر چنین اتفاقاتی افتاد دولت موظف است که از این حقوق دفاع کند؛ لذا سرقت اموال آنها حرام بوده و دولت اسلامی موظف به برگرداندن اموال سرقت شده است.(علامه حلی، قواعد الاحکام، ج ۳ ص ۵۵۷) علاوه بر این دولت موظف است پوشش امنیتی کاملی برای فعالیتهای اقتصادی و علمی این گردشگران ایجاد کند. حفظ آبرو آنها و پرهیز از اهانت به آنها و مقدساتشان نیز لازم است؛ البته به شرط آنکه این امر منجر به تحقیر مسلمین نگردد. دادگاه اسلامی متولی رسیدگی به شکایات و رفع درگیریها و حل اختلافات آنها بر اساس عدالت است.

البته در این میان اموری دیگری هم وجود دارد که حکومت اسلامی باید مطابق مصلحت و عزت جامعه اسلامی به آنها پایبند باشد؛ مثلا خرید و فروش زمینها یا به کارگیری سرمایه ها یا تاسیس شرکتهای تجاری یا زراعی و ....که به برخی از آنها در کتب فقهی اشاره شده است؛ به عنوان نمونه اگر مسلمانی مال کافری که در شهرهای اسلامی اقامت دارد را از بین ببرد؛ ضامن است. ولو اشیایی مانند خمر و خنزیر که از نظر اسلام فاقد مالیت هستند. و نیز اگر مالی از کافر را غصب کند؛ ضامن برگرداندن آن مال است.(کشف الغطا؛ کشف الغطاء، ص ۴۰۱.) و یا اگر کسی که عقد امان دارد برای سکونت و اقامت در سرزمینهای مسلمین به سرزمینهای دشمن برگردد؛ اگر برگشت او موقتی باشد؛ مثلا برای تجارت یا پیامرسانی و ... برگشته باشد قرارداد امان پا بر جاست ولی اگر بازگشتش به قصد مهاجرت به آنجا باشد؛ قرارداد امان در مورد جانش باطل شده ولی در مورد اموالش همچنان پا بر جاست و اگر تقاضا نمود باید این اموال را برگرداند. (علامه حلی، تحریر الأحکام ۱: ۱۳۷.)

۴.۴. حق بهره مندی از خدمات حمایتی

فقها در مباحث فقهی تصریح کرده اند که کمک مالی به غیر مسلمین برای برآوردن نیازهایشان جایز است. از جمله:

الف) وقف برای کفار: بزرگواری و جهانشمولی اسلام اقتضا میکند که یک دید فراگیری نسبت به همه جهانیان که خانواده بزرگ بشری را تشکیل میدهند؛ داشته باشد. و همه را با دید مهر و محبت بنگرد؛ زیرا قرآن کریم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم را به عنوان رحمت للعالمین معرفی نموده است. (الأنبیاء: ۱۰۷.) از این رو آحاد جامعه اسلامی آزاد هستند که بخشی از اموال و ثروت خود را برای تمامی افراد جامعه بشری وقف نمایند؛ بدون آنکه آیین آنها در نظر گرفته شود. مگر آنکه چنین وقفی به ابزاری در جهت نشر شرک و ظلم تبدیل گردد؛ که طبق آیه قرآن نهی شده است. (الممتحنة: ۸.)

البته برخی از فقها وقف برای کفار مخصوصا حربی را مخدوش میدانند؛ زیرا این کار موجب محبت به آنها میشود.(جمعی از مولفین، مجلة فقه

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir
Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477
ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

أهل البيت عليهم السلام (بالعربية)، ج۳۷، ص: ۲۳۴) ولی صاحب جواهر در این رابطه میگوید: « بسیاری از علما چنین وقفی را جایز دانسته بلکه شیخ طبرسی بر جواز این وقف ادعای اجماع نموده است. زیرا بر هر کسی جایز است که نسبت به هر کس که بخواهد خوبی کند؛ ولو آن شخص کافر حربی باشد؛ (نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۸ ص ۳۲.) سپس ادله ای برای تقویت نظریه جواز مطلق چنین وقفی میآورند؛ که در نتیجه نظریه مقابل که بین وقف برای کافرحربی و ذمی فرق قائل شده و اولی را مشکل و دومی را جایز میداند؛ تضعیف میشود. (همان، ۳۳- ۳۴)

این اختلاف نظر در میان فقهای معاصر هم وجود داشته؛ به عنوان نمونه امام خمینی از بیان نظر خود در مورد وقف برای کافر حربی و مرتد فطری خود داری نموده و صرفا جواز وقف برای کافر ذمی و مرتد ملی را مخصوصا اگر از نزدیکان واقف باشند مطرح میکند . (خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۳) ولی آیه الله خویی به جواز مطلق وقف برای کافر فتوا داده است. (خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۲۴۱)

ب) وصیت برای کفار: شیخ طوسی وصیت برای کافر ذمی را جایز دانسته ولی وصیت برای کافر حربی را ممنوع معرفی میکنند؛ (طوسی، المبسوط، ج ۴ ص ۶۳) ولی صاحب جواهر این نظریه را نپذیرفته است؛ و وصیت به کافر را مطلقا جایز میدانند. (نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۸، ص ۳۶۷) امام خمینی نیز صرفا وصیت برای کافر ذمی را جایز میداند ولی وصیت برای کافر حربی را محل اشکال معرفی نموده است. (خمینی، تحریر الوسیله، ج۲، ص ۸۵) ولی آیه الله خویی مطلقا اینچنین وصیتی را جایز میدانند. (خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۲۱۹)

ج) قبول هدیهٔ غیر المسلم:

شیخ صدوق از حضرت امیر المومنین علیه السلام روایت نموده که کسری برای پیامبر معظم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم هدیه ارسال نمود و ایشان هدیه را پذیرفتند؛ و دیگر پادشان هم وقتی به ایشان هدیه میدادنند میپذیرفتند.(ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه ۳: ۳۰۰.) علماه مجلسی نیز روایت نموده است که مجوسی برای حضرت امیر المومنین علیه السلام در روز عید نوروز هدیه ای فرستاد حاوی برخی از جامها که در آن شکر بود؛ و ایشان شکر را بین یاران خود تقسیم نمود؛ و از جزیه حساب کرد. (مجلسی، بحار الأنوار ۴۱: ۱۱۸؛ابن شهر آشوب، المناقب، ۱: ۳۷۸.)

د) صدقه: اغلب فقها صدقه به کفارمحتاج را جایز میدانند. تا جاییکه صاحب جواهر این حکم را بدون مخالف معرفی کرده اند. (نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۱ ص ۳۲۱)

تمامی امور یاد شده وقتی صحیح است که با انگیزه انسان دوستانه انجام گیرد؛ ولی اگر این کار موجب تقویت عقاید و افکار آنها گردد و جزء مصداق اعانه بر ظلم و معصیت محسوب شود؛ قطعا حرام است. لذا صاحب جواهر در این رابطه میگوید: « وقف برای کفار زمانی درست است؛ که جنبه انسانی کفار مد نظر باشد؛ که شاید در آینده مسلمانی از وی به دنیا آید؛ و شاید خودشان مسلمان گردند؛ بخلاف زمانی که وقف برای کلیسا یا معبدهای کفار میشود؛ که اگر اعانه بر حرام باشد؛ قطعا صحیح نیست. (نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۸، ص ۳۴- ۳۵)

۵. وظایف مسلم در شهرهای غیر مسلمین

از آنجا که هدف دین اسلام آزادی بشریت و سعادت در همه زمینه هاست؛ که این هدف را از طریق تعالیم و برنامه های عالی خود تحقق بخشیده است. در زمینه سیاست خارجه و روابط بین المللی هم مبنای اسلام بر گشودن راه ارتباطات به هدف گفتگوی تمدنها و تعاملات فرهنگی بین همه ملتها است.

۵.۱. تمکین از قوانین

وقتی مسلمانی به صورت فردی یا گروهی برای تجارت یا گردشگری به بلاد غیر مسلمانان مسافرت میکند؛ لازم است در مقابل قوانین آنها تمکین کند؛ کما اینکه آنها موظفند حقوق مسلمین را تامین نمایند.

به عنوان مثال مسلمانان لازم است که برای ورود خود به بلاد غیر اسلامی ویزا تهیه کنند؛ و در این بلاد اموال و ثروتهای غیر مسلمانان را محترم شمرده و از تعدی و سرقت خودداری کنند؛ و در صورت انجام این اعمال ضامن هستند.(نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۱۰۷) لذا میتوان گفت برای تجار و دانشجویان و گردشگران مسلمان که در چنین کشورهایی فعالیت دارند؛ گرفتن ویزا به منزله پذیرش یک قرارداد قانونی است؛ که

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir
Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477
ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

جلوی همه نافرمانیها و خیانتها و تجاوز از مقررات را میگیرد. که هر نوع رفتار هنجار شکانانه در هر شرایطی موجب غدر و فریب میشود (طوسی، المبسوط، ج ۲، ص ۱۶؛ علامه حلی، منتهی المطلب، ج ۲، ص ۹۱۷؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۱۰۷.) البته این قضیه جزء مسائل اختلافی است. (خویی، صراط النجاة ج ۱، ص ۴۴۱- ۴۴۶)

ولی با این همه نمیتوان سیطره حکم کلی الزام به تعهد را نادیده گرفت؛ لذا طبق نظر فقها اگر مسلمانی در شرایط امان وارد سرزمین کفر شد؛ و مالی را از کافری قرض گرفت و به سرزمین خود برگشت؛ و صاحب مال در شرایط امان به سرزمین اسلامی سفر کرد و مال را مطالبه نمود؛ آن مسلمان موظف به پرداخت بدهی خود است. (نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۱۰۷؛ علامه حلی، منتهی المطلب، ج ۲، ص ۹۷، طوسی، المبسوط، ج ۲، ص ۱۶)

۵.۲. حفظ اصول اخلاقی و حسن معاشرت

از آناج که دین اسلام دین مهربانی و مهرورزی بوده و غیر مسلمانان نیز تا زمانی که متعرض حقوق دیگران نشوند و فعالیت خرابکارانه در جامعه اسلامی نداشته باشند؛ طبق آیه آیه دوم سوره ممتحنه[۲] از این رحمت و عدالت بی بهره نیستند؛ لذا حضرت امیر المومنین علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر میفرمایند: « قلب خود را از مهربانی نسبت به مردم سرشار کن؛ زیرا آنها دو دسته هستند؛ یا برادران دینی تو هستند و یا در خلقت مشابه تو میباشند. (نهج البلاغة، نامه ۵۳) تا آنجا که طبق تعالیم قرآن باید با همه انسانها در همه زمینه ها به زیبایی سخن گفت. (البقره/ ۸۳.) و این قانون کلی باید در همه معاشرات اجتماعی و علمی توسط همه مسلمین اجرا گردد؛ تا آنجا که دستور داده اند با کفار هم به زیبایی مجالست کنیم. (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۱۷۲و ۱۸۸؛ ج ۷۴، ص ۱۵۲)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم دو دوست یهودی داشتند؛ آنها نزد ایشان آمدند و فرمایشات ایشان را شنیدند؛ ولی ایمان نیاورندند؛ و بعد از رحلت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله وسلم از جانشین ایشان جویا شدند. (همان، ج ۱۰، ج ۱۷۱- ۱۷۲.)

حضرت امیر المومنین علیه السلام با یک ذمی همراه شدند؛ و وقتی آن کافر ذمی جدا شد؛ ایشان هم او را همراهی کردند؛ ذمی پرسید مگر شما نمیخواستید کوفه بروید؟ پرا راه خودتان را رها کردید؟ حضرت در جواب فرمودند: «هذا من تمام حسن الصحبة؛ أن یشیّع الرجل صاحبه هنیئة إذا فارقه، و کذلک أمرنا نبیّنا صلی الله علیه و آله و سلم» یعنی این همراهی کردن همراه موجب حسن معاشرت است؛ و پیامبر ما به ما آموزش داده است. وقتی ذمی این رفتار کریمانه را مشاهده نمود؛ به اسلام گروید. (همان، ج ۷۴، ص ۱۵۷)

۵.۳. دوری از بد رفتاری و هنجار شکنی

طبق روایات متعدد، مسلمین باید در جامعه کمال دقت را در برخورد خود با آحاد جامعه مخصوصا غیر مسلمین داشته باشد؛ زیرا در پشم آنها هر مسلمانی تجسم عینی دین اسلام محسوب میشود؛ ذیلا به برخی از این روایت اشاره که نشانگر سیره عملی اهل بت علیهم السلام با غیر مسلمین است اشاره میشود:

الف) عبدالله بن سنان میگوید: نزد امام صادق علیه السلام بودیم؛ که یکی کلمات زشتی در مورد یک مجوسی بیان میکرد؛ امام علیه السلام او را نهی فرمودند. او خواست خود را تبرئه کند؛ که از آنجا که مجوسیان با خواهر و مادر خود رابطه نامشروع دارند؛ بدگویی آنها بلامانع است؛ که حضرت در پاسخ گفتند: «این ارتباط در شریعت مجوسیان نوعی ازدواج محسوب میشود.(کلینی، فروع الکافی ۵: ۵۷۴؛ فیض کاشانی، الوافی ۱۱: ۴۰۰.)

ب) ابوالحسن حذا میگوید نزد امام صادق علیه السلام بودیم شخصی از من پرسید که با قرضت چه میکنی و من گفتم او زنا زاده است؛ امام علیه السلام با خشم به من نگریست؛ گفتم قربانتان شوم من به یک مجوسی بدهکارم که خواهرش مادرش است؛ و پدرش با او ازدواج کرده است؛ امام علیه السلام فرمودند: «آیا این طبق آیین خودشان ازدواج محسوب نمیشود؟»(کلینی، فروع الکافی ۷: ۲۳۹، ح ۳؛ طوسی، تهذیب الأحکام ۱۰: ۷۵، ح ۲.) سپس فرمودند: « رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرمودند که مردم را با گفتار در مورد مادرشان بزارند و به آنها نسبت

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir
Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477
ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

زنا دهند؛ زیرا هر گروهی ازدواجی دارند. (همان، ۷: ۴۷۲.)

ج) در روایات مربوط به ارث هم وارد شده است که حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمودند مجوسیان مطابق شریعت خودشان ارث میبرند؛ پس اگر مجوسی با خواهر یا مادر یا دخترش ازدواج کند؛ دو سهم برای او است؛ یک سهم به عنوان همسر و یک سهم به عنوان مادر یا دختر یا خواهر. (علامه مجلسی، روضۀ المتقین ۱۱: ۴۰۰.)

د) شیخ کلینی روایت کرده است: که زکریا بن ابراهیم مسیحی بود که مسلمان شد؛ امام صادق علیه السلام را در مراسم حج زیارت نمود؛ به ایشان عرض کرد که من مسیحی بودم و مسلمان شدم؛ ولی پدر و مادرم همچنان مسیحی هستند و مادرم نابیناست. من با آنها زندگی میکنم؛ میتوانم در ظروف آنها غذا بخورم؟ امام علیه السلام فرمودند: «مانعی ندارد؛ حواست به مادرت باشد و به او نیکی کن.» (کلینی، الکافی ۲: ۱۶۰.)

میتوان از روایات در ابواب مختلف فقهی چنین برداشت کرد که اهل بیت علیهم السلام تاکید فراوان بر حفظ ارتباط عاطفی و انسانی با کفار داشته و این مطلب در صدر اسلام امری متداول بوده است؛ تا سطح معاشرت و مسالمت افزایش یابد؛ تا جایی که ممکن است؛ در یک خانواده مرد مسلمان و زن غیر مسلمان باشد و بر عکس و اولاد هم در سر پرستی پدر یا مادر باشند؛ ولی طبق استظهاری که میتوان از مجموع روایات به دست آورد؛ در آموزه های دینی بر تقویت روابط عاطفی در محیط خانواده تاکید فراوان شده است؛ (العنکبوت: ۸. لقمان: ۱۴ و ۱۵.) به همین دلیل از نظر فقهی نیکی به والدین مشروط به مسلمان بودن آنها نیست(شهید اول، القواعد و الفوائد ۲: ۴۹.)

نتیجه گیری

۱. از آنجا که اسلام یک دین اجتماعی بوده و تاکید بر گسترش تفکرات الهی در همه مناطق عالم را دارد؛ ممانعتی از ارتباط با افراد غیر مسلمان نداشته بلکه روابط بین مسلمین و غیر مسلمین را امری اجتناب ناپذیر میدانند؛ که این ارتباط منجر به ترویج فرهنگ اسلامی و گرایش غیر مسلمین به اسلام میشود.

۲. رعایت اصولی که از جانب شریعت اسلام تبیین گردیده مانند اصل کرامت ذاتی انسان و اصل پرهیز از سلطه گری و اصل التزام به تعهد و اصل پرهیز از خیانت در ارتباط بین مسلمین و غیر مسلمانان ضروری است.

۳. غیر مسلمین موظفند در مدت اقامتشان در شهرهای اسلامی از اعمال خرابکارنه مانند جاسوسی و تجاوز بهمال و جان مسلمین و ایجاد خطرات امنیتی پرهیز کرده و حرمت مقدسات اجتماعی مسلمین را محفوظ بدارند؛ که در غیر این صورت اگر در قرار داد با آنها این امور قید شده باشد قرارداد باطل میگردد؛ وگرنه با آنها مطابق جرمشان مجازات میشوند

۴. غیر مسلمانان در صورت عقد قراردادهای مشروع با حکومت اسلامی مجاز هستند که از حقوقی مانند حضور و آزادی و امنیت و بهره مندی از خدمات حمایتی در جامعه اسلامی متمتع گردند.

مسلمین در جوامع غیر مسلمان ملزم به تمکین از قوانین آنها و حفظ اصول اخلاقی و حسن معاشرت بوده و اجازه تخطی از این وظایف را ندارند.

[۱] سومین شهر مهم مراکش، در نزدیکی جبل‌الطارق بین دریای مدیترانه و اقیانوس اطلس

[۲] «لا یَنْهاکُمُ اللّهُ عَنِ الَّذینَ لَمْ یُقاتِلُوکُمْ فِی الدِّینِ وَ لَمْ یُخْرِجُوکُمْ مِنْ دِیارِکُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَیْهِمْ إِنَّ اللّهَ یُحِبُّ الْمُقْسِطِینَ»

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir

Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477

ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

منابع

منابع

۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷)، المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران: المکتبة المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریة.

۲. علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۲ه ق)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة.

۳. علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ ه ق)، تذکرة الفقهاء، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام،
(کشف الغطاء: ۳۹۷)

۴. احمدی میانجی (بی تا)، مکاتیب الرسول، قم: دار الحدیث.

۵. عمید زنجانی، عباس علی (۱۴۲۱ ه ق)، فقه سیاسی (عمید)، تهران: انتشارات امیر کبیر.

۶. مجلسی ، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ ق،)، بحار الأنوارالجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.

۸. منتظری ، حسین علی(۱۴۰۹ ه ق)، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامیة، قم: نشر تفکر.

۹. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۲)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

۱۰. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۱۱. طبرسی، احمد (۱۴۱۵)، مجمع البیان، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

۱۲. کلینی، یعقوب (۱۳۷۵)، اصول کافی، تعلیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامی، تهران.

۱۳. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالکی (۱۴۲۲ ه ق)، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۱۴. مجلسی ، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴ ه ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

۱۵. ولیدی، محمد صالح (۱۳۷۳)، حقوق جزای اختصاصی، نشر داد، تهران.

۱۶. فیض کاشانی (۱۴۱۷ق)، المحجه البیضاء تصحیح علی اکبر غفاری، نشر دفتر انتشارات اسلامی.

۱۷. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷۹)، تاریخ الرسل والملوک، بیروت: دار التراث.

۱۸. قلقشندی، احمدبن علی (۱۹۰۳)، صبح الاعشی، الکبری الامیریه، مصر.

۱۹. ذهبی، محمدبن احمد (۱۴۱۰ق)، تاریخ الاسلام، دارالکتاب عربی، بیروت.

۲۰. علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳)، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲۱. طبرسی، احمدبن علی (۱۳۸۶ق)، الاحتجاج طبرسی، نعمان، بیروت.

۲۲. ابن شهر آشوب، محمدبن علی (بی‌تا)، مناقب آل ابی طالب، بیروت.

۲۳. بخاری، محمّد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق)، صحیح بخاری، بیروت: دار الفکر.

۲۴. ابو داوود سجستانی، سلیمان(۱۴۱۰ق)، سنن ابی داوود، سعید محمد اللحام، بیروت: دار الفکر.

۲۵. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ ه ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.

۲۶. طباطبایی، سیدعلی (۱۴۱۸)، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل، قم: آل البیت (ع).

۲۷. محقق حلی، جعفر (۱۴۰۸)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

۲۸. واقدی، ابوعبدالله محمدبن عمر (بی‌تا)، المغازی، دار المعارف، قاهره.

۲۹. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ ق)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید.

۳۰. علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰)، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة، قم: مؤسسه امام صادق علیه‌السلام.

۳۱. ابن قدامه، حنبلی، عبدالله بن احمد (بی تا)، المغنی، بیروت: دارالکتب

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir

Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477

ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

الاسلامیه.

۳۲. ابن عابدین، محمّد امین (۱۴۱۵ق)، حاشیه ردالمختار علی الدر المختار، بیروت: دار الفکر.

۳۳. سبزواری، سید عبد الأعلی (۱۴۱۳ ه ق)، مهذّب الأحکام، قم: مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیهٔ الله.

۳۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۵ ه ق)، أنوار الفقاهة - کتاب البیع، قم: انتشارات مدرسهٔ الإمام علی بن أبی طالب علیه‌السلام.

۳۵. خمینی، سید روح اللّه (بی تا)، تحریر الوسیلة، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.

۳۶. خویی، سید ابو القاسم (۱۴۱۰ ه ق)، منهاج الصالحین، قم: نشر مدینهٔ العلم.

۳۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ ه ق) تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الإسلامیة.